

# راز و اما

لی جنتری / ناصر بلیغ



انتشارات هرم

Clarke, Arthur Charles

کلارک، آرتور چارلز، ۱۹۱۷

راز رامای / آرتور سی. کلارک، جتتری لی؛ ترجمه: ناصر بلیغ. تهران: هرم، ۱۳۸۴.

ISBN: 964-095571-8-0

Rama revealed, 1994.

عنوان اصلی:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
نمایه.

۱. داستانهای انگلیسی - قرن ۲۰ م. ۲. داستانهای علمی انگلیسی - قرن ۲۰ م.  
الف. بلیغ، ناصر، ۱۳۴۰ - مترجم. ب. لی، جتتری، Lee, Jentry ج. عنوان.  
د. عنوان: راز رامای آخرین بخش از مجموعه رامای.

۸۲۳۹۴۵۶۱۶

PZ۳/ک۸۱۶

۱۳۸۴

۱۳۸۴

۳۷۴ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

## راز رامای

لی جتتری / ناصر بلیغ

انتشارات: هرم - تیراژ: ۱۱۰۰ جلد - چاپ: ۱۳۸۴

چاپ: فراین - صحافی: منصوری

قیمت: ۹۲۰۰ تومان

تلفن: ۶۴۸۴۸۳۵

ISBN: 964-95571-8-0

شابک: ۹۶۴-۹۵۵۷۱-۸-۰

۷ مقدمه

۱۵ گریز

۱۵۹ ارتباط رنگین کمانی

۲۵۷ شهر زمره

۴۰۹ جنگ در راما

۵۲۹ بازگشت به ایستگاه مرکزی

## مقدمه

در یکی از شاخه‌های ماریپیچ دور افتاده کهکشان راه شیری، ستارهٔ زرد رنگ منفردی، نه چندان پر نور، دور از نظر، به دور مرکز کهکشان، که سی هزار سال نوری دورتر است، به آرامی می‌چرخد. این ستارهٔ پایدار، خورشید، هر دور خود را در مدار کهکشانی، در مدت دویست و بیست و پنج میلیون سال کامل می‌کند. آخرین باری که خورشید در وضعیت کنونی بود، خزنده‌های غول پیکر و دارای قدرتی هراس انگیز، تأسیس قلمرو خود به روی زمین، سیارهٔ کوچک آبی‌رنگی از جمله اقمار خورشید را تازه آغاز کرده بودند.

در میان سیارات و سایر اجرام منظومهٔ شمسی، تنها در زمین است که گونه‌ای پیچیده و پایدار از حیات به وجود آمده است. تنها در این دنیای خاص مواد شیمیایی تا حد هشیاری تکامل یافتند و سپس، هنگامی که عجایب و عظمت عالم را درک کردند، پرسیدند آیا معجزه‌ای که آنان را به وجود آورد، واقعاً در جای دیگری هم رخ داده است.

استدلال این زمینی‌های هوشمند، روی هم رفته آن بود که تنها در کهکشان ما صد میلیارد ستاره وجود دارد. ما تقریباً مطمئنیم که دست کم بیست درصد از این ستاره‌ها، سیاراتی در حال گردش در اطراف خود دارند، و شمار اندک، اما چشمگیری

از این سیارات، در مقطعی از تاریخ خود، شرایط جوی و گرمایی مناسبی برای ایجاد اسیدهای آمینه و دیگر مواد شیمیایی آلی، که لازمه هر نوع حیات مفروض اند، داشته اند. این اسیدهای آمینه، حداقل یک بار در تاریخ، اینجا، بر روی زمین، تولیدمثل و همانند سازی را کشف کردند، و از همین جا معجزه تکامل، که محصول نهایی آن انسان بود، آغاز شد. چگونه می توانیم فرض کنیم که این رشته وقایع در تمام طول تاریخ عالم تنها یک بار رخ داده است؟ اتم های سنگینتر، که برای ایجاد ما ضروری بودند، در جریان انفجارات ستاره ای در سرتاسر عالم در طی میلیاردها سال به وجود آمده اند. آیا این احتمال وجود دارد که تنها در اینجا، در این یک مکان، این اتم ها به شکل مولکولهای ویژه گرد هم آمده و به موجود هوشمندی بدل شده باشند؟ موجودی که قادر است از خود بپرسد: «آیا ما در این عالم تنها هستیم؟»

انسانهای روی زمین، کاوش برای یافتن همتایان کیهانی خود را نخست با ساختن تلسکوپ هایی آغاز کردند که با آنها می توانستند سیارات همجوار خویش را ببینند. بعدها، هنگامی که به فن آوری پیشرفته تری دست یافتند، سفینه های فضایی روباتیک بسیار پیچیده برای بررسی این سیارات فرستادند تا مطمئن شوند در آنجا نشانه ای از حیات وجود دارد یا نه. این اکتشافات ثابت کرد که هرگز هیچ موجود زنده ای در هیچ یک از سیارات منظومه شمسی وجود نداشته است. دانشمندان زمینی نتیجه گرفتند که اگر کسی آن بیرون باشد، موجودی همتای ما که بتوانیم با او ارتباط برقرار کنیم، باید آنان را در ورای آن فضای خالی، که منظومه شمسی ما را از همه ستارگان جدا می کند، بیابیم.

در اواخر قرن بیستم، بر اساس تقویم انسانها، موجگیر بزرگ کره زمین به کاوش آسمان برای یافتن علائم درک کردنی پرداخت، برای پی بردن به این امر که شاید موجود هوشمند دیگری برای ما پیام رادیویی فرستاده باشد. این جست و جو بیش از صد سال ادامه یافت، و در اوایل قرن بیست و یکم، در اوج شکوفایی دانش بین المللی، بر شدت آن افزوده شد، و سپس، در دهه های آخر آن قرن، پس از

شکست چهارمین مجموعه مجزای شیوه‌های روشمند گوش دادن به صداهاى فضا در یافتن نشانه‌های حاکی از وجود دیگر موجودات هوشمند، از شدت آن کاسته شد.

در سال ۲۱۳۰، شیء استوانه‌ای عجیبی که از اعماق فضای بین ستاره‌ای به سوی منظومه شمسی ما می‌آمد، مشاهده شد. تا آن زمان، اغلب انسانهای متفکر به این نتیجه رسیده بودند که حیات در عالم پراکنده و نادر است. دانشمندان می‌گفتند که در غیر این صورت چگونه می‌توان نگرفتن نتیجه مثبت از همه تلاشهای دقیق ما برای یافتن حیات غیر زمینی در قرن اخیر را توجیه کرد؟

به همین دلیل، هنگامی که پس از بررسی دقیقتر روشن شد که شیء در حال ورود به منظومه شمسی بدون تردید منشأ غیر زمینی دارد و به دست موجودات دیگری ساخته شده است، زمینی‌ها واقعاً شگفتزده شدند. در اینجا مدرکی انکار ناپذیر از ساخته‌های موجودات هوشمند و پیشرفته وجود داشت، که نشان می‌داد موجودات هوشمند در جای دیگری از عالم وجود دارند، یا دست کم زمانی وجود داشته‌اند. هنگامی که یک سفینه فضایی مأموریت یافت برای ملاقات با آن استوانه عظیم و تیره رنگ، که بعداً معلوم شد ابعاد آن از بزرگترین شهرهای زمین هم بزرگتر است، به سوی آن برود، فضا نوردانی که توانستند به آن استوانه پا بگذارند، با نکات عجیب و اسرارآمیز بسیاری مواجه شدند. اما آنان قادر نبودند به بنیادی ترین پرسشها درباره آن سفینه فضایی پر از ابهام پاسخ دهند. در آن سفینه فضایی متجاوز که از میان ستارگان آمده بود هیچ کلیدی برای پی بردن به منشأ یا مقصود از آمدنش پیدا نشد.

نخستین گروه مکتشفان زمینی نه تنها عجایب موجود در اما (نامی که پیش از پی بردن به منشأ غیر زمینی آن شیء عظیم استوانه‌ای، به آن داده شده بود) را فهرست کردند، بلکه درون آن را کاویدند و نقشه‌برداری هم کردند. پس از آنکه گروه اکتشافی را ما را ترک کرد و آن سفینه فضایی غیرزمینی، با شیرجه‌ای از کنار خورشید، با سرعتی باور نکردنی از منظومه شمسی خارج شد، دانشمندان همه اطلاعات جمع‌آوری شده در طول مدت مأموریت را به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند.

همه اعتراف کردند که انسانهای دیدار کننده از راما هرگز با سازندگان واقعی آن سفینه اسرارآمیز رویارو نشدند. اما تجزیه و تحلیل دقیق، پس از مأموریت، اصلی تردیدناپذیر را در مورد مهندسی رامایی‌ها نشان داد. هر دستگاه اصلی و فرعی حساس در سفینه دو دستگاه پشتیبان داشت. رامایی‌ها همه چیز را در سه نسخه طراحی کرده بودند. به نظر دانشمندان، احتمال فراوان وجود داشت که دو سفینه دیگر مشابه راما خیلی زود به دنبال سفینه اول بیایند.

سالهای بلافاصله پس از پدیدار شدن راما ۱ در ۲۱۳۰ در زمین، سالهای انتظار بودند. همه دانشمندان و سیاستمداران ادعا می‌کردند که عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز شده است. سازمان بین‌المللی فضا (سِف) که با شورای دولتها همکاری می‌کرد، برای برخورد با سفینه بعدی راما دستور کارهای دقیقی را تدوین کرد. همه تلسکوپ‌ها رو به آسمان تنظیم شدند، و همه، برای آنکه اولین نفر یا اولین رصدخانه‌ای باشند که سفینه بعدی راما را می‌یابند، با هم رقابت می‌کردند. اما دیگر هیچ چیز دیده نشد.

در نیمه دوم دهه ۲۱۳۰، یک دوره شکوفایی اقتصادی، که در آخرین مراحل خود به واسطه واکنش بین‌المللی به حضور راما تقویت شده بود، ناگهان متوقف گردید. دنیا وارد بزرگترین دوران رکود اقتصادی در تاریخ خود شد؛ دورانی به نام آشوب بزرگ، که با هرج و مرج و اوضاع نابسامان در سطح گسترده همراه بود. در طول این دوران غمبار همه فعالیتهای علمی عملا کنار گذاشته شدند، و پس از چندین دهه، که در طی آن مردم روی زمین به ناگزیر به مشکلات روزمره خود اشتغال داشتند، دیدار اسرارآمیز و توجیه‌ناپذیر راما از منظومه شمسی را به فراموشی سپرده بودند.

در سال ۲۲۰۰ استوانه‌ای دیگر وارد منظومه شمسی شد. مردم زمین گردوغبار روی دستور کارهای تدوین شده پس از خروج راما ۱ از منظومه شمسی را پاک کردند و خود را برای ملاقات با راما ۲ آماده ساختند. گروهی دوازده نفری از فضا نوردان برای این مأموریت انتخاب شدند. آن گروه، اندکی پس از ملاقات، گزارش دادند که سفینه

دوم راما تقریباً شبیه سفینه قبلی است. انسانها با رازها و عجایبی جدید از جمله موجودات غیر زمینی، مواجه شدند، اما هنوز هم نمی‌توانستند به پرسشهای مربوط به منشا و هدف راما، پاسخ دهند.

سه مورد مرگ عجیب در میان گروه فضانوردان، نگرانی شدیدی در زمین پدید آورد؛ جایی که همه جنبه‌ها و زوایای این مأموریت تاریخی به وسیله تلویزیون پیگیری می‌شد. هنگامی که آن استوانه عظیم در میانه راه حرکتی کرد که آن را در مسیر برخورد با کره زمین قرار داد، این نگرانی به احساس خطر و ترس بدل گشت. رهبران دنیا، با بی‌میلی، به این نتیجه رسیدند که، با توجه به فقدان اطلاعات کافی، چاره‌ای ندارند جز آنکه فرض کنند راما ۲ رفتاری خصمانه دارد. آنان نمی‌توانستند به آن سفینه بیگانه اجازه دهند که با زمین برخورد کند، یا حتی آن قدر به زمین نزدیک شود که بتواند سلاحهای پیشرفته‌ای را که احتمالاً با خود دارد، به کار ببرد. تصمیم گرفته شد که راما ۲ را پیش از نزدیک شدن به زمین و ایجاد خطر برای آن، منهدم کنند.

به گروه اکتشافی دستور بازگشت داده شد، اما سه عضو گروه، دو مرد و یک زن، هنوز درون راما ۲ بودند که آن سفینه عظیم خود را از مسیر موشکهای هسته‌ای پرتاب شده از زمین دور کرد. راما ۲ با حرکتی از زمین دور شد و با سرعت از منظومه شمسی بیرون رفت، در حالی که اسرار فاش نشده خود و نیز سه انسان زمینی را به همراه داشت.

سیزده سال طول کشید تا راما ۲، که با سرعتی نزدیک به سرعت نور حرکت می‌کرد، فاصله نزدیک زمین تا مقصد خود را طی کند. مقصد راما ۲ مجموعه‌ای عظیم بود ساخته شده در فضا، به اسم ایستگاه مرکزی، که در یکی از مدارهای خارجی اطراف ستاره سیریوس واقع شده بود. سه انسان مسافر آن استوانه عظیم صاحب پنج فرزند شده و خانواده‌ای تشکیل داده بودند. آنان، در حال بررسی و کشف عجایب محل زندگی‌شان در فضا، بار دیگر با موجوداتی غیر زمینی مواجه شدند که پیشتر هم

آنها را دیده بودند. اما انسانها، هنگامی که به ایستگاه مرکزی رسیدند، خود را قانع کرده بودند که آن موجودات بیگانه نیز، مانند خود آنان، فقط مسافرانی در راما هستند. آن خانواده زمینی، اندکی بیش از یک سال در ایستگاه مرکزی ماندند. در این مدت سفینه راما بازسازی و برای سومین و آخرین سفر خود به منظومه شمسی تجهیز و آماده شد. افراد خانواده، از راه گفت و گو با عقاب، مخلوق غیرزنده موجودات هوشمند اداره کننده ایستگاه مرکزی، دریافتند که هدف از ساخت مجموعه سفینه های راما کسب و طبقه بندی همه اطلاعات ممکن درباره موجودات قادر به سفر فضایی، ساکن در کرات کهکشان، است. عقاب، که سر و منقار و چشمان عقاب و بدن انسان داشت، به آنان اطلاع داد که آخرین سفینه راما، یعنی راما ۳، محوطه ای مسکونی خواهد داشت که با دقت و مشابه زمین طراحی شده است و دو هزار انسان می توانند در آن زندگی کنند.

یک پیام ویدئویی از ایستگاه مرکزی به زمین ارسال شد که بازگشت قریب الوقوع سومین سفینه راما را اعلام می کرد. در این پیام توضیح داده شده بود که موجودات غیرزمینی پیشرفته ای مایل به بررسی و مطالعه دراز مدت درباره فعالیت های انسانها هستند و تقاضایشان این است که انسانها دو هزار نماینده خود را برای ملاقات با راما ۳ به مدار سیاره مریخ بفرستند.

راما ۳ فاصله میان سیریوس تا منظومه شمسی را با سرعتی بیش از نصف سرعت نور پیمود. درون سفینه، بیشتر اعضای خانواده زمینی ساکن ایستگاه مرکزی، درون محفظه های مخصوص در حال خواب به سر می بردند. در مدار مریخ، این خانواده از سایر انسانهای زمینی استقبال کردند و محوطه مسکونی ساخته شده درون راما به سرعت به محل زندگی آنان بدل گشت. مهاجرنشین حاصل از این استقرار، که فردوس نو نام گرفت، کاملاً محصور و به وسیله دیوارهای ضخیم از بقیه قسمتهای سفینه فضایی بیگانه جدا شده بود.

تقریباً بلافاصله پس از آن، راما ۳ سرعت خود را به نصف سرعت نور رساند، و

رهسپار ستاره زرد رنگ به نام تائو سستی شد. سه سال بدون هر گونه مداخله خارجی در امور انسانها سپری شد. شهروندان فردوس نو چنان به زندگی روزمره خود مشغول شده بودند که به دنیای بزرگ خارج از محوطه مسکونی خود توجه چندانی نداشتند.

هنگامی که رشته‌ای بحرانه دموکراسی نوپای بهشت آفریده شده به وسیله رامایی‌ها را زیر فشار قرار داد، یک فرصت طلب پولدار قدرت را در مهاجرنشین غصب و تمام مخالفان خود را با بی‌رحمی سرکوب کرد. یکی از سرنشینان اولیه رامای ۲ در همین زمان از فردوس نو گریخت، و سرانجام توانست با دو گونه از موجودات غیر زمینی که همزیستی داشتند و در محوطه مسکونی مجاور زندگی می‌کردند، تماس برقرار سازد. همسر او در مهاجرنشین انسانها باقی ماند و تلاش کرد نقش وجدان آن جامعه را ایفا کند، ولی موفق نشد. وی پس از چند ماه، به اتهام خیانت، زندانی شد و سرانجام روز اعدامش را هم تعیین کردند.

با بدتر شدن مداوم وضعیت محیطی و زیستی در فردوس نو، سربازان مهاجرنشین انسانها به محوطه مسکونی مجاور در نیمه استوانه شمالی رامای حمله کردند و نبردی مرگبار برای از میان بردن موجودات ساکن در آن محوطه آغاز شد. در همان حال، رامایی‌های اسرارآمیز، که تنها از راه نبوغ مهندسی آشکار در ساخته‌هایشان شناخته شده بودند، به مشاهده دقیق وقایع از دور مشغول بودند، و می‌دانستند که برقراری تماس میان انسانها و موجودات پیشرفته‌ای که در جنوب دریای استوانه‌ای زندگی می‌کردند، تنها به زمان نیاز دارد....